

# کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۳۱۸۹ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان



۲

طلای سیاه هیرکانی؛  
ثروتی که از جنگل ربوده می شود



۳

دو غزل بهاری از جواد محمدی خمک  
(سکایی سیستانی)



۳

طرح‌های نوین در حوزه  
مدیریت شهری



نود و سه سال تجربه،  
سرآغاز فصلی سبز و پربار

۲۱ خرداد سالگرد تاسیس بانک کشاورزی



## یادداشت اول

### زنگ خطر امنیت غذایی

فاطمه سراوانی

افزایش قیمت کالاهای اساسی دیگر فقط یک خبر اقتصادی نیست؛ این اتفاق هر روز در سفره میلیون‌ها خانواده ایرانی دیده می‌شود. خانواده‌هایی که تا چند ماه پیش می‌توانستند بخش مهمی از نیازهای خوراکی خود را تأمین کنند، امروز ناچارند میان اقلام ضروری دست به انتخاب بزنند؛ انتخابی که در بسیاری موارد به حذف تدریجی مواد غذایی از سبد مصرفی منجر می‌شود. اعداد و ارقام منتشرشده تصویری نگران‌کننده از این وضعیت ارائه می‌کنند. هزینه سبد کالبرگ یک نفره که در آذرماه ۱۴۰۴ حدود ۲ میلیون و ۵۷۶ هزار تومان بود، در اردیبهشت امسال از مرز ۵ میلیون تومان عبور کرده است. به بیان دیگر، تأمین همان سبد کالا در کمتر از پنج ماه نزدیک به دو برابر گران‌تر شده؛ افزایشی که حتی در سال‌های پرتلاش اقتصادی نیز کمتر سابقه داشته است. در چنین شرایطی انتظار می‌رود سازوکارهای حمایتی بتوانند بخشی از فشار را از دوش خانوارها بردارند. آیین‌نامه تضمین امنیت غذایی دولت نیز دقیقاً با همین هدف تدوین شده و بر جبران افزایش هزینه اقلام سبد کالبرگ تأکید دارد. با این حال، فاصله میان وعده‌های حمایتی و واقعیت بازار هر روز بیشتر خود را نشان می‌دهد. افزایش بیش از ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار تومانی هزینه این سبد در حالی رخ داده که تنها بخشی از آن از طریق اعتبار کالبرگ جبران شده است. این شکاف فقط یک مسئله بودجه‌ای نیست. پشت این اعداد، واقعیتی قرار دارد که مستقیماً با کیفیت زندگی مردم گره خورده است. وقتی درآمدها با سرعت تورم حرکت نمی‌کنند، نخستین قربانی، الگوی مصرف خانوار است. گوشت کمتر خریداری می‌شود، لبنیات از برنامه غذایی حذف می‌شود و بسیاری از خانواده‌ها به سمت کالاهای ارزان‌تر اما کم‌کیفیت‌تر سوق پیدا می‌کنند. پیامد چنین روندی تنها محدود به معیشت نیست؛ سلامت عمومی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲



ورزش زورخانه‌ای نباید در چهار  
دیواری زورخانه محصور بماند

« ۸ »



سنجش سلامت با هفت ایستگاه  
کیفی گرد و غبار

« ۸ »



اندیشه ایرانی‌شهری و فقدان تحریر  
محل نزاع

« ۴-۵ »

# دغدغه تأمین سوخت



## آسیب دیدن مخازن پتروشیمی در جنگ، دلیل اصلی کاهش سهمیه سوخت

در حالی که اکثر کشاورزان گلستانی از تأمین سوخت مورد نیاز برای ادوات کشاورزی خود در فصل برداشت بهاره گلایه دارند، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان، دلیل کاهش سهمیه سوخت را شرایط حساس کشور عنوان کرد و خواستار صرفه جویی در تمام بخش‌ها شد. ابراهیم هزارجریبی با بیان اینکه فرآیند تأمین سوخت در کشور از طریق وزارت نفت صورت گرفته و پس از آن، دستگاه‌های متولی مسئولیت توزیع را بر عهده می‌گیرند، اظهار کرد: سازمان جهاد کشاورزی مسئولیت توزیع سوخت در بخش‌های نیرو محرکه (تراکتور و کمباین) و همچنین واحدهای تولیدی نظیر گلخانه‌ها، مرغداری‌ها و صنایع تبدیلی را بر عهده دارد و تأمین سوخت چاه‌های کشاورزی غیربرقی نیز در حوزه وظایف وزارت نیرو قرار دارد.

ادامه در صفحه ۲

دو روز پیش برای ثبت نام به کافی نت مراجعه کردم اما هنوز پیامک تأیید نیامده است؛ اگر بخواهم پیگیری کنم، باید راهی گرگان و ادارات مختلف شوم که با مشغله این روزهای کشاورزان نمیتوان پیگیری لازم را انجام داد. وی با بیان اینکه سهمیه سوخت از ۸۰۰ لیتر به ۳۰۰ لیتر کاهش یافته است، افزود: وقتی سوخت دولتی با قیمت مشخص، اما در مقداری بسیار کم به دست ما می‌رسد، ما مجبوریم از بازار آزاد سوخت بخریم از طرفی پرداخت قیمت بالای سوخت در بازار آزاد از توان کشاورز خارج است. کشاورز گلستانی ادامه داد: وقتی درآمد نباشد، انگیزه هم از بین می‌رود، کاهش درآمد کشاورزان طی سالهای اخیر باعث شده جوان‌های زیادی از روستا مهاجرت کنند. حاجیلری با اشاره به قیمت بالای ادوات کشاورزی گفت: خرید یک تراکتور از عهده بسیاری از کشاورزان خارج است چرا که قیمت تراکتور به یک میلیارد و پانصد میلیون رسیده که با درآمد کشاورز در تمام عمرش، قابل تأمین نیست. وی خاطر نشان کرد: در مسؤلان تقاضا داریم بر اساس نیاز واقعی کشاورز از جمله هکتار و نوع وسیله برنامه‌ریزی کنید، نه بر اساس اطلاعات غلط!

فهیمة اجاقلو- تأمین سوخت شریان حیاتی ماشین آلات کشاورزی در فصل برداشت بهاره است و اختلال در این چرخه به معنای توقف تولید و زیان گسترده است. فصل بهار زمانی است که دسترنج یک ساله کشاورز با تلاش شبانه روزی به ثمر می‌نشیند. بدون تردید کمبود یا نبود سوخت کافی برای ماشین آلات زنگ خطر جدی برای امنیت غذایی و اقتصادی منطقه محسوب میشود. در روزهای اخیر و همزمان با فصل برداشت بهاره، کشاورزان گلستانی این بار با چالش کمبود سوخت مواجه اند، مشکلی که علاوه بر کند کردن روند برداشت، نگرانی‌های جدی در خصوص کاهش درآمد کشاورزان و از بین رفتن بخشی از محصولات ایجاد کرده است. در همین رابطه یک کشاورز گلستانی با ابراز نارضایتی از وضعیت تأمین سوخت در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: کشاورزان با دو مشکل بزرگ روبرو هستند اول، مقدار سوخت سهمیه‌ای که بسیار ناچیز است و اصلاً کفاف کار ما را نمی‌دهد و دوم، فرآیند دریافت همین مقدار کم هم بسیار دشوار است. حاجیلری با اشاره به فرآیند طولانی ثبت نام سوخت گفت: حدود بیست و

## ادامه یادداشت اول

اقتصاددانان سال‌هاست هشدار می‌دهند که امنیت غذایی صرفاً به موجود بودن کالا در بازار وابسته نیست. آنچه اهمیت دارد، توان خرید مردم است. اگر مواد غذایی در قفسه فروشگاه‌ها وجود داشته باشد اما

آن می‌تواند در حوزه سلامت، آموزش، بهره‌وری و حتی سرمایه اجتماعی کشور نمایان شود. کوچک شدن سفره مردم شاید در نگاه نخست یک شاخص معیشتی باشد، اما در واقع نشانه‌ای از وضعیتی گسترده‌تر است. هرچه فاصله میان درآمد و هزینه بیشتر شود، امنیت غذایی نیز آسیب‌پذیرتر خواهد شد. امروز بیش از هر زمان دیگری، سیاست‌های حمایتی مؤثر، کنترل تورم و تقویت قدرت خرید خانوارها نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای حفظ ثبات اجتماعی و اقتصادی کشور به شمار می‌رود.

بخش بزرگی از جامعه قدرت خرید آن را نداشته باشد، نمی‌توان از امنیت غذایی سخن گفت. نگرانی اصلی اما در افق پیش رو نهفته است. جامعه ایران سال‌ها با شکاف میان فقیر و غنی دست‌وپنجه نرم کرده، اما اکنون خطر شکل‌گیری شکافی عمیق‌تر مطرح است؛ شکافی میان کسانی که می‌توانند نیازهای اولیه غذایی خود را تأمین کنند و کسانی که برای تأمین همین نیازها نیز با دشواری روبه‌رو هستند. این تغییر، تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ هشدار اجتماعی است که آثار

## ادامه تیر اول

مواجه هستند، به کار گیرند. وی با انتقاد از نحوه محاسبه و توزیع سهمیه سوخت افزود: وزارت جهاد کشاورزی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر اساس سطح اراضی کشور سوخت را برآورد میکنند اما سوخت بر اساس تعداد تراکتور توزیع میشود که این امر مشکل ساز شده است. مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور ادامه داد: هر چه تخصیص سوخت به تعداد تراکتور بالا برود سهمیه سوخت به اراضی کشاورزی بر مبنای هکتار کاهش می‌یابد در واقع ممکن است کسی زمین کشاورزی نداشته باشد اما تراکتور داشته باشد و از سهمیه سوخت بخش کشاورزی برای امور خدماتی و صنعتی استفاده کنند.

در این راستا، برنامه دولت و استانداری استان بر این است که از ابتدای تیرماه، سهمیه سوخت تراکتورها افزایش یابد تا پاسخگوی نیاز کشاورزان در فصل تابستان باشد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان خاطرنشان کرد: اگرچه محدودیت‌های آبی در بلندمدت وجود دارد، اما با توجه به وضعیت فعلی آب‌ها، آمادگی برای تأمین سوخت بیشتر در تابستان فراهم شده است.

## سهمیه سوخت بر اساس سطح اراضی محاسبه شود نه تعداد تراکتور!

در حالیکه مدیران جهاد کشاورزی از تأمین سهمیه سوخت بر اساس یکسری عوامل و فاکتورها صحبت میکنند اما مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور معتقد است توزیع سوخت بر اساس مبنایی که انجام میشود چالش‌های فراوانی در بخش کشاورزی ایجاد کرده است. علیقلی ایمانی با اشاره به فصل برداشت ۶۰۰ هزار هکتار از اراضی گلستان با تأکید بر رفع هر چه سریعتر مشکلات کشاورزان اظهار کرد: برداشت ۶۰۰ هزار هکتار اراضی استان در کمتر از یک ماه انجام میشود و فشار مضاعفی بر بخش‌های مختلف از جمله کشاورزان وارد است بنابراین مسئولان باید تمام تلاش خود را بر رفع چالش‌ها و مشکلاتی که کشاورزان در این فصل با آن

## کاهش ۲۶ درصدی سهمیه سوخت در گلستان

مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی گلستان نیز با بیان اینکه میزان سوخت اختصاص یافته به استان گلستان در سال جاری، نسبت به سال گذشته ۲۶ درصد کاهش یافته است، اظهار کرد: این موضوع در ستاد استان مطرح شده و با مکاتبه با وزارت نفت و جهاد کشاورزی، مقرر شده است که سهمیه متمم و اضافی برای جبران این کمبود به استان اختصاص یابد تا نیاز کشاورزان در ماه‌های پیش رو تأمین شود. سید محمد حسینی افزود: تخصیص سوخت بر اساس پارامترهای دقیق شامل نوع محصول، ساعت کارکرد ماشین‌آلات و بازه زمانی سال زراعی (از مهرماه تا شهریورماه سال بعد) و تحت نظارت سازمان‌های متولی صورت می‌گیرد. وی در



سهمیه اقدام به توزیع می‌کنند. بر اساس این گزارش تأمین سوخت در فصل برداشت یک‌کالای تجاری نیست بلکه ضرورتی استراتژیک برای امنیت غذایی کشور محسوب میشود. بدون تردید هر گونه تأخیر در برنامه ریزی دقیق و توزیع عادلانه سوخت به معنای از دست رفتن سرمایه ملی، کاهش تولیدات استراتژیک و در نهایت فشار مضاعف بر اقتصاد خانوار کشاورز است. مزارع گلستان بیش از هر چیز به تصمیمات جسورانه و مدیریت دقیق در زنجیره تأمین سوخت نیاز دارند تا از بروز فاجعه‌ای اقتصادی در فصل برداشت جلوگیری کند.

خصوصاً مقابله با بازار سیاه و دلالتان سوخت گفت: با وجود کمبود رسمی، وجود سوخت در دست دلالتان مورد تأیید مسئولان نیست و سازمان‌های متولی و نظارتی برای مبارزه با این پدیده و جلوگیری از سوءاستفاده از سوخت کشاورزی، پیگیر هستند تا سوخت مستقیماً به دست صاحبان ماشین‌آلات کشاورزی برسد. وی خاطرنشان کرد: سهمیه سوخت کشاورزی بر اساس درخواست و گزارش سازمان جهاد کشاورزی و با در نظر گرفتن سطح زیر کشت و نیاز واقعی کشاورزان در نظر گرفته شده و شرکت پخش فرآورده‌های نفتی استان طبق همین

## طلای سیاه هیرکانی؛ ثروتی که از جنگل ربوده می‌شود

در حفاظت از جنگل، افزایش گشت‌های حفاظتی، استفاده از فناوری‌های پایش هوشمند و تشدید برخورد با شبکه‌های خرید و فروش غیرقانونی نیز از دیگر راهکارهایی است که کارشناسان برای حفاظت از این سرمایه طبیعی پیشنهاد می‌کنند. در همین راستا، ریس اداره منابع طبیعی و آب‌خیزداری کلاله گفت: نیروهای حفاظتی منابع طبیعی شهرستان با همکاری نیروی انتظامی موفق به کشف ۲۰۲ کیلوگرم قارچ ترافل شدند. محمد برزین اظهار کرد: این محموله با هدف مقابله با برداشت و حمل غیرمجاز محصولات جنگلی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی در جریان گشت و کنترل نیروهای حفاظتی و در پی اقدامات اطلاعاتی و میدانی شناسایی و ضبط شد. وی با اشاره به ارزش و اهمیت حفظ ذخایر طبیعی منطقه، بیان کرد: قارچ ترافل از جمله محصولات ارزشمند جنگلی است که برداشت بی‌رویه و غیرمجاز آن می‌تواند آسیب‌های جدی به اکوسیستم و پوشش گیاهی وارد کند. از این رو برخورد با متخلفان و حفاظت از عرصه‌های طبیعی با جدیت در دستور کار قرار دارد. برزین از ارسال پرونده این محموله برای بررسی و رسیدگی قانونی به مراجع ذی‌صلاح خبر داد و گفت: همکاری نیروی انتظامی نقش مهمی در افزایش توان نظارتی و صیانت از منابع طبیعی شهرستان دارد. گفته می‌شود دلالتان، «قارچ تلاف» را با قیمت بالا از سودجویان خریده و در بازار داخلی و خارج کشور چند برابر قیمت اولیه به فروش می‌رسانند. از این قارچ در صنایع داروسازی، تولید روغن‌های معطر، صنایع غذایی و رستوران‌ها استفاده می‌شود و به سبب کمیاب بودن، متقاضیان برای خرید آن بهای گزافی پرداخت می‌کنند که قیمت بالایی ترافل جوامع پیرامون این زیستگاه‌ها را وادار به حمله و دست‌اندازی به این ثروت الهی کرده است.



ترافل در اراضی خارج از جنگل است که در این روش، نهال‌های میزبان با اسپور قارچ ترافل تلقیح شده و در شرایط مدیریت‌شده کشت می‌شوند. این شیوه علاوه بر کاهش فشار بر رویشگاه‌های طبیعی، می‌تواند به ایجاد اشتغال و تولید ثروت پایدار در مناطق روستایی کمک کند. برخی پژوهشگران نیز بر ضرورت اجرای طرح‌های آزمایشی تولید ترافل در گلخانه‌ها و محیط‌های کنترل‌شده تأکید دارند. هرچند تولید تجاری این قارچ نیازمند دانش فنی، زمان و سرمایه‌گذاری است، اما تجربه کشورهای اروپایی نشان داده که می‌توان با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بخشی از نیاز بازار را بدون آسیب به منابع طبیعی تأمین کرد. آموزش جوامع محلی، توسعه مشاغل جایگزین، مشارکت روستاییان

رویشگاه‌های ترافل در شرق گلستان، به‌ویژه مناطق جنگلی گالیکش، مینودشت، کلاله و بخش‌هایی از علی‌آبادکتول و گرگان منتشر شده و کشف مستمر محموله‌های متعدد توسط یگان حفاظت منابع طبیعی نیز نشان می‌دهد تجارت غیرقانونی این محصول به یکی از چالش‌های جدی مدیریت جنگل‌های هیرکانی تبدیل شده است. متخصصان محیط‌زیست بر این باورند که مقابله صرف با برداشت غیرمجاز، هرچند ضروری است، اما به تنهایی راه‌حل پایدار این معضل نخواهد بود و باید در کنار اقدامات حفاظتی، زمینه بهره‌برداری اصولی و اقتصادی از این محصول نیز فراهم شود. یکی از راهکارهای مطرح در کشورهای پیشرو، توسعه باغ‌های اختصاصی و کشت کنترل‌شده

«قارچ ترافل» که میان فعالان این حوزه به «طلای سیاه جنگل» شهرت دارد محصولی کمیابی است که می‌تواند به فرصتی برای توسعه اقتصاد محلی تبدیل شود، اما برداشت غیراصولی و بی‌رویه آن اکنون به تهدیدی جدی برای پایداری اکوسیستم جنگل‌های شمال کشور تبدیل شده است. به گزارش ایرنا، جنگل‌های هیرکانی که قدمتی چند صد میلیون ساله دارند، یکی از ارزشمندترین ذخایر طبیعی جهان محسوب می‌شوند که در این زیست‌بوم کم‌نظیر، گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری در کنار یکدیگر چرخه‌ای پیچیده و حساس را شکل داده‌اند که قارچ ترافل نیز بخشی از آن است. ترافل نوعی قارچ زیرزمینی است که در همزیستی با ریشه برخی درختان جنگلی از جمله بلوط، مرز و فنلق رشد می‌کند و برخلاف بسیاری از گونه‌های خوراکی، در سطح زمین قابل مشاهده نیست و برای یافتن آن باید با شناخت دقیق زیستگاه یا استفاده از سگ‌های آموزش‌دیده اقدام کرد. ارزش غذایی بالا، عطر و طعم منحصر به فرد و کاربرد گسترده در صنایع غذایی، دارویی و تولید فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی موجب شده ترافل در بازارهای جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و در این میان، قیمت بالای این محصول نیز سبب شده برخی افراد برای کسب درآمد بیشتر به برداشت غیراصولی آن روی آورند. کارشناسان منابع طبیعی معتقدند برداشت غیرمجاز ترافل تنها به خروج یک محصول از جنگل محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد با کنده‌کاو گسترده خاک و آسیب به ریشه درختان همراه است که این اقدام ضمن برهم زدن ساختار خاک، ارتباط حیاتی میان قارچ و ریشه درختان را مختل کرده و در بلندمدت به کاهش توان اکولوژیک جنگل منجر می‌شود. در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی از فعالیت سودجویان در



## دو غزل بهاری از جواد محمدی خمک (سکایی سیستانی)



### ۱ \*بوی بهار نارنج از کوچه‌های گرگان\*

بوی بهار نارنج از کوچه‌های گرگان  
افکنده بار دیگر در دل هوای گرگان

احساس آشنایی دامان جان گرفته است  
آرام می‌گشاید بر تافضای گرگان

اردیبهشت آمد یعنی بهشت آمد  
تا چهره بر فروز باز از صفای گرگان

بر آستان پاکش تنها نه من که حتما  
تاریخ می‌سراید مدح و ثنای گرگان

زایید سیستان و، گرگان گشودم آغوش  
جانم نثار زایل روحم فدای گرگان

عمرم اگر دهد پا از ژرفنای احساس  
بس ناسروده دارم در دل برای گرگان

ای همسفر درنگی شاید دگر نبویم  
بوی بهار نارنج از کوچه‌های گرگان

### ۲ \*تمام مدعیان دیده را به خواب زدند\*

صلای عام چو بر فتح آفتاب زدند  
تمام مدعیان دیده را به خواب زدند

در انتظار و عطش نسل مانده در تردید  
که نسل خیزش در شط خون بر آب زدند

به پای تجربه رسوا شدند آنان که  
به چهره‌های خود از ادعا نقاب زدند

ببین مذلت آنان که در گریز از خویش  
به موج حادثه‌ها تکیه بر سراب زدند

شماقت همه تاریخ را پی افکنده  
که در گزینش خود باز بر سراب زدند

شب از بلبله گران شد دوباره با تخدیر  
سران واهمه آبی بر اضطراب زدند

در این جدال که اندیشه‌های بیم و گریز  
به هر مبارزه‌ای حرف از اجتناب زدند

سپیده آینه‌بندان تک سواران نیست  
که در تمام بلندای شب رکاب زدند

اردیبهشت ۱۴۰۵

ابزارها: سامانه‌های نظرسنجی آنلاین/اپلیکیشن‌های گزارش مشکلات شهری/بودجه‌ریزی مشارکتی/شبکه‌های ارتباطی دیجیتال  
نتایج افزایش شفافیت/ارتقای اعتماد عمومی/تصمیم‌گیری بهتر  
۸. استفاده از داده‌های بزرگ (Big Data)

شهرهای روزانه حجم عظیمی از اطلاعات تولید می‌کنند. کاربردهای تحلیل ترافیک/پیش‌بینی نیازهای شهری/مدیریت منابع/برنامه‌ریزی توسعه شهری  
مزایا: تصمیم‌گیری دقیق‌تر/کاهش هزینه‌ها/افزایش بهره‌وری  
۹. دوقلوی دیجیتال شهر (Digital Twin)

دوقلوی دیجیتال نسخه مجازی و دیجیتالی شهر است که امکان شبیه‌سازی و تحلیل سناریوهای مختلف را فراهم می‌کند. کاربردها: مدیریت بحران/برنامه‌ریزی پروژه‌های عمرانی/پیش‌بینی سیلاب/توسعه زیرساخت‌ها  
این فناوری یکی از پیشرفته‌ترین ابزارهای مدیریت شهری در سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

۱۰. انرژی‌های تجدیدپذیر در مدیریت شهری  
استفاده از انرژی‌های پاک یکی از محورهای اصلی شهرهای آینده است. نمونه‌ها: پنل‌های خورشیدی شهری/ایستگاه‌های شارژ خودروهای برقی/نیروگاه‌های بادی کوچک/سیستم‌های ذخیره انرژی  
مزایا: کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی/کاهش آلودگی/صرفه‌جویی اقتصادی

نتیجه‌گیری: تحولات فناوری، مدیریت شهری را وارد عصر جدیدی کرده است. شهرهای آینده بر پایه هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، داده‌های بزرگ، انرژی‌های پاک و مشارکت شهروندان اداره خواهند شد. اجرای طرح‌های نوین در مدیریت شهری علاوه بر کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، موجب ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و تحقق توسعه پایدار می‌شود. مدیران شهری برای موفقیت در آینده باید رویکردهای نوآورانه و فناورمحور را در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های شهری دنبال کنند.

پیشنهادها/اجرای:  
۱. توسعه زیرساخت‌های شهر هوشمند. ۲. سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی و اینترنت اشیا. ۳. گسترش حمل‌ونقل پاک برقی. ۴. افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری. ۵. توسعه پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر. ۶. استفاده از دوقلوی دیجیتال برای برنامه‌ریزی شهری. ۷. حرکت به سمت شهرهای الکترونیک و بدون کاغذ.

دکترای مدیریت استراتژیک /عضو دو دوره شورای شهر  
علی آباد کنول

آلودگی محیط زیست/افزایش رضایت شهروندان  
۲. استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت شهری  
هوش مصنوعی امروزه در بسیاری از شهرهای پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کاربردهای پیش‌بینی ترافیک شهری/مدیریت بحران و حوادث / تشخیص خرابی زیرساخت‌ها/مدیریت مصرف انرژی  
تحلیل رفتار شهروندان  
نمونه‌ها: شهرهای سنگاپور، سئول و دبی از پیشگامان استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت شهری هستند.

۳. اینترنت اشیا (IoT):  
اینترنت اشیا شبکه‌ای از حسگرها و تجهیزات متصل به اینترنت است که اطلاعات لحظه‌ای را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. کاربردها: پارکینگ هوشمند/سطح زباله هوشمند/کنترل مصرف آب/نظارت بر کیفیت هوا/مدیریت روشنایی شهری  
نتایج: صرفه‌جویی در منابع/کاهش هزینه‌های عملیاتی/افزایش بهره‌وری خدمات

۴. حمل و نقل هوشمند  
ترافیک یکی از بزرگ‌ترین مشکلات شهرهای امروزی است. نوآوری‌ها: سامانه‌های هوشمند کنترل چراغ راهنمایی/اتوبوس‌های برقی/خودروهای خودران/دوچرخه‌های اشتراکی  
اپلیکیشن‌های مدیریت سفر شهری  
مزایا: کاهش زمان سفر/کاهش مصرف سوخت/کاهش آلودگی هوا

۵. مدیریت پسماند هوشمند  
یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نوآوری شهری، مدیریت زباله است. طرح‌های نوین: مخازن هوشمند مجهز به حسگر/تفکیک خودکار زباله/بازایافت مکانیزه/تولید انرژی از پسماند  
دستاوردها: کاهش هزینه جمع‌آوری/افزایش نرخ بازیافت/حفظ محیط زیست

۶. توسعه شهر سبز و پایدار  
امروزه بسیاری از شهرها به سمت توسعه پایدار حرکت می‌کنند. اقدامات: ایجاد بام‌های سبز/توسعه پارک‌های شهری/استفاده از انرژی خورشیدی/گسترش فضاهای سبز عمودی  
ساختمان‌های کم‌مصرف انرژی  
مزایا: کاهش اثرات تغییرات اقلیمی/بهبود کیفیت هوا/ارتقای سلامت شهروندان

۷. حکمرانی هوشمند و مشارکت شهروندان  
در مدل‌های جدید مدیریت شهری، شهروندان نقش فعالی در تصمیم‌گیری دارند.



## طرح‌های نوین در حوزه مدیریت شهری



ابوالفضل پاکدامن

### اشاره:

مدیریت شهری در قرن بیست و یکم با چالش‌های متعددی از جمله رشد جمعیت، توسعه شهرنشینی، آلودگی محیط زیست، ترافیک، کمبود منابع و تغییرات اقلیمی مواجه است. به همین دلیل استفاده از فناوری‌های نوین و رویکردهای خلاقانه برای اداره شهرها به یک ضرورت تبدیل شده است. شهرهای پیشرفته جهان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، داده‌های بزرگ، انرژی‌های پاک و مشارکت شهروندان در حال حرکت به سوی شهرهای هوشمند هستند. این مقاله به بررسی مهم‌ترین نوآوری‌ها و طرح‌های نوین در مدیریت شهری می‌پردازد. مدیریت شهری مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که با هدف بهبود کیفیت زندگی شهروندان، توسعه پایدار و افزایش بهره‌وری خدمات شهری اجرا می‌شود. امروزه مدیران شهری علاوه بر وظایف سنتی، باید از فناوری‌های نوین برای حل مشکلات شهری استفاده کنند.

۱. شهر هوشمند (Smart City)

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های حوزه مدیریت شهری، ایجاد شهرهای هوشمند است. شهر هوشمند از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود خدمات شهری استفاده می‌کند. ویژگی‌های مدیریت هوشمند ترافیک/کنترل هوشمند روشنایی معابر/پایش آلودگی هوا/ولت الکترونیک/حمل و نقل هوشمند  
مزایا: کاهش هزینه‌ها/افزایش کیفیت خدمات/کاهش

## اصلاحیه مناقصه عمومی

### تأمین نیروی انتظامات به تعداد ۲۶ نفر جهت انجام عملیات حفاظت و انتظامات در سطح شهرستانهای استان گلستان

به اطلاع کلیه شرکت کنندگان محترم در مناقصه فوق می‌رساند، اسناد مناقصه به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

۱- مبلغ صحیح بر آورد اولیه به عدد ۱۷۱/۲۸۴/۶۹۴/۴۷۰ ریال و به حروف یکصد و هفتاد و یک میلیارد و دو بیست و هشتاد و چهار میلیون و شصت و نود و چهار هزار و چهار صد و هفتاد و ریال می‌باشد.

۲- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸/۵۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

۴- آخرین مهلت تحویل اسناد: پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

۵- تاریخ بازگشایی اسناد: ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸

سایر مفاد و شرایط مناقصه بدون تغییر و به قوت خود باقی است.

اداره کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان - شناسه آگهی ۲۲۰۳۸۸۱



## آگهی فراخوان عمومی سرمایه گذاری مشارکتی



### شهرداری گرگان در نظر دارد

به استناد شیوه نامه امور سرمایه گذاری و مشارکت های مردمی شهرداری برابر مصوبه سی و دومین جلسه کمیته فنی و بازرگانی به شماره ثبت دبیرخانه ۴/۱/۷۸۰۱ و بیست و یکمین صورتجلسه کمیسیون معاملات سرمایه گذاری شهرداری گرگان به شماره ثبت دبیرخانه ۴/۱/۹۳۴۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ و با عنایت به نظر به هیات کارشناسان رسمی دادگستری مشوب در دبیرخانه شهرداری گرگان به شماره ۴/۱/۴۳۲۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۲ و نیز طبق ماده ۳۰ آیین نامه معاملات شهرداری از طریق سرمایه گذاری اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت احداث مجتمع مسکونی در عرصه ای به مساحت حدود ۶۱۳ متر مربع متعلق به شهرداری گرگان واقع در زیبا شهر، زیبای ۲ به کد نوسازی ۰۷۲-۱۰۰۷۴-۱-۶-۱ طبق نقشه پیوستی به صورت مشارکت مدنی با شرایط ذیل اقدام به جذب سرمایه گذار نماید.

لذا کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ لغایت پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد دولت) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

تذکر: (مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد ایران: از تاریخ انتشار آگهی تا ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ می‌باشد)

تلفن تماس امور قراردادها: ۰۷۲۴۰۷۵۲ - ۰۱۷۳۲۲۴۰۱ - تلفن تماس دفتر معاونت سرمایه گذاری: ۰۱۷۳۲۲۸۵۵۰۱

مجید طاهری - شهردار گرگان شناسه آگهی ۲۲۰۳۷۸۵

# اندیشه ایرانی و فرهنگ



## اشاره

دکتر سید صادق حقیقت استاد علوم سیاسی در یادداشتی که در شماره ۲۱ سیاست‌نامه نوشته، با نقد ساختاری آرای سید جواد طباطبایی، پروژه او را به دلیل فقدان ادله متقن، شایسته عنوان «ایده» می‌داند نه «نظریه». نویسنده ضمن آشکارسازی تناقض میان بدبینی او در «نظریه زوال» و خوش‌بینی‌اش به جایگزین ایرانی‌شهری، مرزبندی وی با آرامش دوستدار را تشریح کرده و در نهایت با رد امکان وجود «فقه سیاسی»، سیاست را علمی مستقل از فقه قلمداد می‌کند. خلاصه این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:

در بحث طباطبایی، مدعا و دلایل به شکل مشخص مطرح نشده اند؛ و به همین دلیل، شاید اصطلاح «ایده ایرانی‌شهری» سزاوارتر از «نظریه ایرانی‌شهری» باشد. طباطبایی که کار خود را شبیه الگ گرابار می‌داند، از کوشش وی با عنوان «فرضیه» یاد می‌کند. شاید به همین دلیل باشد که وی از «اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری» سخن می‌گوید، نه «نظریه ایرانی‌شهری». «شاهی آرمانی مبتنی بر فره ایزدی» نیاز به ایضاح بیشتر دارد، و اینکه بگوییم عمده نوشته‌هایی که نشان دهنده تداوم ایران است، به نوعی با آیین‌های شوردراری ارتباط دارد، (به عنوان دلیلی) کفایت نمی‌کند. نوشته‌های ایشان ملغمه‌ای است از مدعاها و نقد دیگران (به شکل سلبی)، در حالی که مدعا به دلیل نیاز دارد، نه به نقد دیگر روشنفکران (از مشروطه گرفته تا زمان حال). به واقع، طباطبایی به دستگیری نیاز دارد که به فلسفه تحلیلی مسلط باشد و بتواند مفاهیم، مدعا و ادله وی را متقن کند. چه بسا یک مدعا درست باشد، ولی ادله و شواهد کافی نتوانیم برای آن ارائه کنیم. طباطبایی از نسبت اندیشه ایرانی‌شهری و نظریه زوال سخن نگفته، هر چند معلوم است که اولی به اوضاع یک بوم نظر دارد و دومی به وضع اندیشه. اگر از یک «ایران» سخن می‌گوییم، چگونه در نظریه زوال گفته شد که، برخلاف فوکو، بدبینانه از شرایط امتناع اندیشه سخن می‌گوید، و این‌جا به شکل خوش‌بینانه درصدد ارائه بدیلی مناسب برای این مرزبوم است؟ طباطبایی اصرار دارد بین نظریه خودش و نظریه آرامش دوستدار مرزبندی کند: «می‌گویم در شرایط امتناع، نه خود امتناع» یا چنان‌که نویسنده درخشش‌های تیره گفته است، «امتناع تفکر در فرهنگ دینی»- زیرا تأکید بر صرف امتناع که موضعی است سیاسی و لاجرم، از سنخ همان «خدمت و خیانت»، بحث نظری نیست. این توصیف نیازی به استدلال و بحث نظری ندارد و دست‌کم در کشورهایی که تقدیر مردمان آن‌ها را «دین‌خو» قرار داده، امری بدیهی است. بحث در «شرایط امتناع» ناظر بر تبیین منطق امتناع با توجه به مبانی نظری اندیشیدن است. طباطبایی پروژه فیرچی را به سرنوشت نواندیشی دینی و اعتبار فقه سیاسی گره می‌زند: «تمایز علوم به تمایز موضوعات آن هاست و به دلیل همین تمایز موضوعات، فقه سیاست نیست و از اضافه یکی از آن‌ها به دیگری فقه مضاف- مانند آب مضاف- درمی‌آید، اما فقه سیاسی درمی‌آید! اگر بتوان سیاستی از درون نظام فقه شیعی بیرون کشید، به فرض امکان، باید نخست دانست که سیاست چیست؛ به همان دلیل که فقیهانی مانند محمداقصر صدر گفته اند اقتصاد اسلامی وجود ندارد؛ زیرا اقتصاد علمی مستقل از فقه با موضوعی مستقل است، اما می‌توان احکامی را از فقه استخراج کرد که در اصلاح نظام اقتصادی به کار آید، فقه سیاسی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد و این منوط به وجود علم سیاست مستقل از فقه است. نیازی به گفتن نیست که فقیه تنها با تکیه بر فقه و اصول خود نمی‌تواند بداند سیاست چیست. این دو علم، دو موضوع متمایز دارند و توضیح سرشت موضوع یکی با تکیه بر اسلوب دیگری ممکن نیست. هم‌چنان‌که نظر اقتصادی اسلام منوط به وجود علم اقتصاد مستقل است، یعنی اقتصاد اسلامی وجود ندارد، و آن‌گاه مسئولان اقتصادی می‌توانند با نظری به احکام اسلامی، در عمل، برخی تعدیل‌ها را در تعادل‌های اقتصادی وارد کنند، باید علم سیاست مستقل از فقه هم وجود داشته باشد تا مسئولان سیاسی برخی احکام اسلامی را در عمل سیاسی خود وارد کنند» متن کامل مقاله دکتر حقیقت را در ادامه می‌خوانید: نوشتار حاضر تأملی هم‌دلانه با استاد ارجمند، جناب دکتر جواد طباطبایی، (و دوست و یار فقید، دکتر داود فیرچی) در باب اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری است قبل از هر چیز، باید مراد از اصطلاح «ایران‌شهری» را روشن کنیم. «اصطلاح ایران‌شهر در پاره‌ای از کتیبه‌ها و متون کهن به حوزه سرزمینی ایران اطلاق شده است به تعبیر دکتر جواد طباطبایی: در آغاز فرمانروایی ساسانیان، ایرانیان کشور خود را در ادامه نام باستانی آن «ایران‌شهر» نامیده بودند. ایران‌شهری هر امر منسوب به این واقعیت تاریخی است ایران، به عنوان ایران‌شهر، ناظر بر وضع ایران بزرگ فرهنگی در تاریخ طولانی آن است. اگر آغاز تاریخ مدون ایران

گرفته اند این بوده که: «تصوری از امر ملی پیدا نکرده اند اگر ملاک منافع ملی باشد، تکلیف ایران از عراق و افغانستان و تاجیکستان و مانند آن جدا میشود، و نباید از ایران بزرگ سخن گفت؛ چرا که منافع ملی به مرزهای ملت- دولت پیوند دارد. از سویی، استثنا کردن تیسفون و سمرقند و بخار و مانند آن نیز وجهی ندارد. ۳- هم در نظریه زوال از «ایران» بحث می‌شود، هم در ایده ایرانی‌شهری. طباطبایی از نسبت اندیشه ایرانی‌شهری و نظریه زوال سخن نگفته، هر چند معلوم است که اولی به اوضاع یک بوم نظر دارد و دومی به وضع اندیشه. اگر از یک «ایران» سخن می‌گوییم، چگونه در نظریه زوال گفته شد که، برخلاف فوکو، بدبینانه از شرایط امتناع اندیشه سخن می‌گوید، و اینجا به شکل خوش‌بینانه درصدد ارائه بدیلی مناسب برای این مرزبوم است؟ طباطبایی اصرار دارد بین نظریه خودش و نظریه آرامش دوستدار مرزبندی کند: «می‌گویم در شرایط امتناع، نه خود امتناع» یا چنان‌که نویسنده درخشش‌های تیره گفته است، «امتناع تفکر در فرهنگ دینی»- زیرا تأکید بر صرف امتناع که موضعی است سیاسی و لاجرم، از سنخ همان «خدمت و خیانت»، بحث نظری نیست. این توصیف نیازی به استدلال و بحث نظری ندارد و دست‌کم در کشورهایی که تقدیر مردمان آن‌ها را «دین‌خو» قرار داده، امری بدیهی است. بحث در «شرایط امتناع» ناظر بر تبیین منطق امتناع با توجه به مبانی نظری اندیشیدن است. در نقل قول فوق، «بین امتناع» (بحث دوستدار) و «شرایط امتناع» (مدعای طباطبایی) تمایز گذاشته شده است؛ چرا که اولی- نزد قائلان به آن- بدیهی و غیرمحتاج به بحث نظری دانسته شده، در حالی که دومی نیاز به بحث فلسفی و نظری دارد. از این عبارت نمیتوان امکان خروج از امتناع را برداشت کرد، ولی شاید مقصود طباطبایی این باشد که راه برون رفت از سنت در شرایط تصلب آن و امتناع اندیشه، تنها با نقادی از بیرون امکان پذیر است. اگر این برداشت درست باشد، هم به تصریح نیاز دارد، هم نسبت ایده ایرانی‌شهری و نظریه زوال باید تبیین شود. ۴- از نظر روش شناختی باید دید طباطبایی با کدامین روش می‌خواهد مدعای خود را بر فرض روشن بودن، تأیید نماید: «آنچه من اینجا می‌آورم شهودی است که از دهه‌های پیش از پرسه زدن‌های در تاریخ و تاریخ اندیشیدن در ایران پیدا کرده و در سال‌های طولانی آن شهود نخستین را به محک تاریخ و جهان اندیشه در اروپا زده‌ام] در واقع، ایران نه جزئی از تاریخ و جهان اسلام، بلکه همواره در ناحیه‌ای «در بیرون درون جهان اسلام قرار داشته است» (زیرا اگرچه ایران کشوری با جمعیت مسلمان بود، اما بخشی از خلافت عربی نبود) ناحیه‌ای که هر چند هنوز نتوانسته ایم مختصات آن را به دقت ترسیم کنیم، اما هست و به هستی آن «شهود» داریم. [۱۵] پس، شاید بتوان گفت اولاً مبنای آن نوعی شهود بوده، و ثانیاً (احتمالاً به شکل اثبات گرایانه) به تاریخ اروپا محک زده شده است. ولی آیا این دو از نظر روش شناختی برای نظریه‌ای با این اهمیت کفایت می‌کند؟ در مرحله بعد باید از نسبت این روش با تمایلات ایشان به دیدگاه هگل، کوزلک و دیگران سخن گفت. ۵- چنان مدعایی، اگر وضوح داشته باشد، تنها با نظریه پیوست

را شاهنشاهی هخامنشی بدانیم، که کوروش بزرگ بنیانگذار و سامان بخش آن بود، آن چه از همان آغاز جلب توجه می‌کند تنوع قومی در عین وحدت فراگیر، و البته شهود کوروش بزرگ از تنوع و وحدت ناشی از آن، است. اگر کسی به تمایز میان شاهی- سلطنت و «شاهنشاهی» توجهی نداشته باشد، نخواهد توانست استدلال مرا دنبال کند. از عبارات استاد طباطبایی می‌توان تأکید بر چند مفهوم در اندیشه ایرانی‌شهری را استفاده کرد: ناحیه‌ای که در تاریخ تحت عنوان ایران شناخته شده است، تنوع قومی در عین وحدت فراگیر، امر ملی، و منافع ملی. اگر به شکل هم‌دلانه بخواهیم به مدعای طباطبایی بنگریم، شاید بتوان گفت ایرانی‌شهری «ایده»‌ای است که نقاط مثبت و مؤیدات تاریخی دارد و می‌تواند به حفظ و تقویت «منافع ملی» در شرایط کنونی کمک کند. این امر منافاتی با کاستی‌های این ایده ندارد. به طور مثال، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- در درجه نخست باید دید تعریف «نظریه» بر آن صادق است یا نه. «نظریه» عبارت است از گزاره‌های به هم پیوسته‌ای که یک مدعا را تأیید می‌کنند. در بحث طباطبایی، مدعا و دلایل به شکل مشخص مطرح نشده‌اند؛ و به همین دلیل، شاید اصطلاح «ایده ایرانی‌شهری» سزاوارتر از «نظریه ایرانی‌شهری» باشد طباطبایی که کار خود را شبیه الگ گرابار می‌داند، از کوشش وی با عنوان «فرضیه» یاد میکند شاید به همین دلیل باشد که وی از «اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری» سخن می‌گوید، نه «نظریه ایرانی‌شهری». «شاهی آرمانی مبتنی بر فره ایزدی» نیاز به ایضاح بیشتر دارد، و این که بگوییم عمده نوشته‌هایی که نشان دهنده تداوم ایران است، به نوعی با آیین‌های شوردراری ارتباط دارد، (به عنوان دلیلی) کفایت نمی‌کند. نوشته‌های ایشان ملغمه‌ای است از مدعاها و نقد دیگران (به شکل سلبی)، در حالی که مدعا به دلیل نیاز دارد، نه به نقد دیگر روشنفکران (از مشروطه گرفته تا زمان حال). به واقع، طباطبایی به دستگیری نیاز دارد که به فلسفه تحلیلی مسلط باشد و بتواند مفاهیم، مدعا و ادله وی را متقن کند. چه بسا یک مدعا درست باشد، ولی ادله و شواهد کافی نتوانیم برای آن ارائه کنیم. ۲- ابتدا، باید ببینیم «ایران» و «ایران‌شهر» امری جغرافیایی است یا فرهنگی، و در صورتی که به جغرافیا مربوط است، به کدام ناحیه جغرافیایی اطلاق میشود. استاد ملکیان به نگاه تحلیلی سؤال می‌کند که از کدام ایران سخن می‌گوییم؟ ابوریحان بیرونی (که در خوارزم ترکمنستان بوده) ایرانی است یا غیر ایرانی؟ جنلی شاپور را مسیحیان ساختند، و تخت جمشید را رومی‌ها طباطبایی خود به این نکته اذعان دارد که: «من تصور پیچیده‌ای از واقعیت ایران دارم اگر مقصود تعریفی نیست که همه از ایران می‌فهمند، پس نیاز به تبیین دقیق دارد. همچنین، اگر مقصود از ایران، ایران فرهنگی است که با فرهنگ و زبان شناخته می‌شود، نه ایران جغرافیایی، باید دید چگونه به ناحیه جغرافیایی خاص پیوند می‌خورد. قلب و گرانیگاه ایران‌شهر در زمان ساسانیان، تیسفون بوده است. این شهر ویرانه‌های پایتخت اشکانیان و ساسانیان بوده، به شکلی که حوادث و تحولات تاریخی موجب تبدیل شدن بین‌النهرین به مرکز شاهنشاهی مشرق شد. حال، مشخص نیست که ایرانی‌شهری که از آن سخن می‌گوییم در قالب مرزهای ملی ایران است یا در ایران بزرگ. واپسین جمله کتاب ملت، دولت و حکومت قانون بدین شرح است: «در قلمرو سیاست، تنها می‌توان ملی اندیشید و تنها منطق این نوع اندیشیدن منطق منافع ملی است بر این اساس، مشکل روشنفکرانی که مورد نقد طباطبایی قرار

# فقدان تحریر محل نزاع



۸- در اساس نکته فوق، باید گفت این نظریه مشخص نیست به گذشته ایران نظر دارد یا به حال کنونی و آینده آن. ارجاع به الگ گرایان نشان می دهد که دغدغه اصلی ارائه نظریه ای برای فهم تاریخ تمدن ایران است: «کمابیش به فرضیه ای نیاز داریم تا بدانیم که در نخستین سده های دوره اسلامی چه اتفاقی افتاده است از نظر منطقی، نمی توان از وجود اندیشه ایرانی شهری در طول چند هزاره، مطلوبیت آن را برای آینده اثبات کرد. البته، این دو مانعاً الجمع نیستند و میتواند در عین حال هم پسینی باشد، هم پیشینی، ولی باید به شکل مشخص جنبه های تاریخی (و توصیفی-تحلیلی) آن از سویه های هنجاری اش مشخص شود. در بعد هنجاری، باز مشخص نیست حضور پادشاه در نظریه پادشاهی ضرورت دارد یا نه هرچند «نظریه سلطنت» در ایران باستان در کانون تفسیر قرار گرفته [اما شاید بتوان گفت «پادشاهی» به معنایی که طباطبایی اراده کرده، با حضور ایده سلطنت و شاه آرمانی- با توجه به ضرورت‌های دوران مدرن- تلازم نداشته باشد. اگر مراد، دفاع فلسفی از ایده دولت- ملت و امر ملی است (و نه دفاع از آن به عنوان امری ایدئولوژیک)، باز نیاز به تصریح دارد. همان گونه که کلهرودی و بستانی اشاره کرده اند، اگر این ایده بخواهد بازسازی شود، باید اولاً بتواند ایده سلطنت را کنار گذارد، و ثانیاً از محتوای کیهانی و سلسله مراتبی رها شود اگر ایده طباطبایی بازسازی شود، چه بسا اشکالات کمتری به آن وارد باشد.

۹- هرچند اندیشه ایرانی شهری با ملی گرایی و ناسیونالیسم تفاوت دارد، اما چارچوب مفهومی ایده نخست نیاز به ایضاح بیشتر دارد. به اعتقاد دکتر طباطبایی، «آغاز تاریخ نویسی جدید ایران پیوندهایی با پدیدارشدن نوعی از ملی گرایی ایرانی دارد ملی گرایی یا ناسیونالیسم ضرورتاً به تحلیل تاریخی و نگاه پسینی- به شکلی که طباطبایی به آن میپردازد- نیاز ندارد؛ علاوه بر آن که ملی گرایی اشکال مختلف دارد. شاید به همین دلیل باشد که او مینویسد: «آن وحدت ملی به ضرورت ناسیونالیسم نیست. ملت، ملیت و ناسیونالیسم عین هم نیستند، و مقوله تاریخی را با ایدئولوژی آن نباید خلط کرد» [نظریه سلطنت، در آن چه من نوشته‌ام، ربطی به ملیت ندارد. من گفته‌ام که ایران تورکستان، افغانستان و عربستان نیست که ملیت آن را دست‌وپا کرده باشند. ایران یکی از کهن‌ترین ملت‌هاست و همین ملت از همان آغاز دولت خود را ایجاد کرده است». هرچند «ایران‌شهر» یک مقوله تاریخی قلمداد میشود، اما ایده دکتر طباطبایی «اندیشه سیاسی ایرانی شهری» است. به تعبیر بنرارد لوئیس، در فرهنگ ایرانی نوعی وطن دوستی وجود دارد، نه ناسیونالیسم. «طباطبایی با ناسیونالیسم مخالف است و دلیل مخالفتش نیز این است که ملی گرایی مبتنی بر ایده (۱) ملت واحد (۲) در وحدت بدون تکتک و (۳) برتری قومی میباشد، و او با هر سه جزء این ایدئولوژی مخالف است. اما پرسش اینجاست که او با چه تعریفی موافق است؟ به تعبیر دیگر، ملت در دیدگاه طباطبایی چگونه مفصل بندی تئوریک شده است؟».

۱۰- اگر بر اساس نکته فوق مرز اندیشه ایرانی شهری و ملی گرایی مشخص شود، نوبت به این مسئله میرسد که چرا باید از این ایده، در مقابل ایده جهان وطنی یا انترناسیونالیسم (اخلاقی)، دفاع کرد. جهانی شدن به نوبه خود مرزهای ملی را تضعیف کرد، و هزینه های مادی و انسانی مرزهای

تاریخی، و نه نظریه گسست، قابلیت توجیه دارد؛ چرا که باید مفهومی از ایران‌شهر را تصور کرد که در طول چند هزاره، کمابیش همچنان، باقی است. پس، باید دید این مسئله روش شناسانه جزئی از مدعاست یا مفروض گرفته شده است. روش کرین متافیزیکی است و امر ایرانی را مربوط به عالم خیالی میدانند که مابین دو عالم مجرد و مادی قرار دارد البته، بعید است طباطبایی چنین فرضی را قبول داشته باشد، و از سوی دیگر، بدیلی هم برای آن ارائه نمی کند.

۶- همچنین، نسبت اندیشه سیاسی ایرانی شهری و سیاستنامه (با تمرکز بر خواجه نظام الملک) نیاز به ایضاح بیشتری دارد. نقد دکتر فیرحی به استاد طباطبایی این گونه است: «من وقتی روی خواجه نظام الملک کار کردم [دریافتم که]، نه تنها کار او ربطی به اندیشه ایرانی شهری ندارد، بلکه اساساً اندیشه ایرانی شهری وجود ندارد. خواجه نظام الملک یک مؤمن متعصب و معتقد به کلام اشعری و فقه شافعی است و با اندیشه باستانی ما هیچ نسبتی ندارد سلطنت ایرانی شهری قبل از قاجار مرده است. اصلاً ناصرالدین شاه ادعای باستانی ندارد. این (باستان گرایی در دوره پهلوی) یک نوع باستان گرایی ایدئولوژیک مدرن و متفاوت است طباطبایی در مواضع متعدد به فیرحی پاسخ گفت. به نظر او، نیاز نیست کلمه «ایران» و «ایران‌شهری» در کلام خواجه پیدا شود: «سلطنت در فکر معاصر مرده بود یا نظریه شاهی؟ این دو یک چیز واحد نیستند. تردیدی نیست که در واپسین دهه‌های عصر ناصری نظریه سلطنت مستقل نظریه‌ای مشروعیت‌بخش نبود، وگرنه جنبش مشروطه‌خواهی پیروز نمی شد. کوشش فیرحی برای نفی ملیت ایرانی با عقل سلیم قابل فهم نیست. به اعتقاد فیرحی، «جریان مستقلاً به نام سیاستنامه‌نویسی که نماینده اندیشه ایران باستان در آثار اندیشه سیاسی ما باشد، وجود ندارد؛ و چیزی که کسانی چون روزنتال و فیلولوژیست‌های غربی می‌گویند ناشی از آشنا نبودن با سنت ما و مقایسه ظاهر کلمات و تقسیم‌بندی‌های غلط است تقسیم سه گانه (فلسفه سیاسی، شریعتنامه نویسی و سیاستنامه نویسی) برخی اندیشمندان که ریشه در روزنتال دارد هرچند از نظر اعتبارسنجی میتواند با نقدهایی رویرو شود، اما از نظر شیوه نگارش متون سیاسی اسلامی موجه به نظر میرسد. به بیان دیگر، اگر ملاک اسلوب نگارش متون باشد، سه گانه فوق موجه است؛ اما از نظر اعتبار، سیاستنامه در ردیف فلسفه سیاسی و فقه سیاسی قرار نمی گیرد. علت آن است که سیاستنامه نویس با روش های مختلف در صدد تحکیم قدرت پادشاه با محوریت «مصلحت» و با رویکرد واقع گرایانه است، در حالی که فیلسوف سیاسی در صدد کشف حقیقت است، و فقیه سیاسی در صدد کشف مراد شارع مقدس. به همین سبب است که فلسفه سیاسی و فقه سیاسی، برخلاف سیاستنامه، به شکل مستقیم در نظریه همرویی مورد بحث واقع شده اند. سه ویژگی مذکور در خصوص سیاستنامه ها، از یک متن به متن دیگر متفاوت ارزیابی می شود.

۷- تکلیف سنت و تجدد در اندیشه ایرانی شهری (و در کل پروژه طباطبایی) چندان مشخص نیست. رجوع به سنت برای نقد و گذار از آن، یا احیای سنت در درون تجدد؛ شاید بتوان گفت طباطبایی ترکیبی از تجددگرایی و ملی گرایی را مد نظر دارد، اما نقطه آغازین مباحث خود را سنت قرار می دهد. این نکته، اما، نه بتمامه در کلام ایشان مشاهده میشود، نه دلالت متقنی برای آن ارائه شده است. وقتی از نابینی سخن می گوید او را نقطه آغازین خوبی در مشروطه قلمداد میکند، اما معتقد است علم حقوق باید جای فقه را میگرفت: «کار اساسی مشروطیت این بود که بتواند فقه، به عنوان نظام «حقوق» شرع، را به حقوق جدید تبدیل کند طباطبایی نتوانسته به خوبی نشان دهد چگونه قانون میتواند جایگزین فقه شود در مشروطه، جناحهای مختلف فکری وجود داشت، و حداقل در خصوص نابینی باید گفت وی هرگز نمیخواست حقوق را جانشین فقه کند. اگر این مسئله را مفروض بگیریم که طباطبایی جوان به آلتوسر و اندیشه چپ تعلق داشته، و طباطبایی متأخر از آن جدا شده است، باز دو احتمال در خصوص نظریه اخیر طباطبایی (متأخر) به ذهن می رسد: نخست آن که به نوعی بومی گرایی (در مقابل تجددگرایی) روی آورده، و دوم آن که سعی دارد به شکلی بین بومی گرایی و تجددگرایی جمع کند. احتمال دوم هرچند اقرب است، اما نه تصریحی نسبت به آن به چشم میخورد، نه دلیلی بر آن اقامه شده است.

ملی را کاهش داد. شاید بتوان گفت اروپای متحد جهان را یک گام به ایده جهان وطنی نزدیک کرد. از سوی دیگر، شرایط فعلی ایجاب می کند مرزهای ملی را- حداقل تا چندین دهه آتی- پس بداریم. جمع این دو نکته میتواند این باشد که جهان وطنی و انترناسیونالیسم آرمان مطلوبی است، اما باید به شکل واقع گرایانه مرزهای ملی را نیز محترم شمرد. نتیجه آن که ایده ایرانی شهری یا باید به شکلی با ایده جهان وطنی- یا ایده ای مشابه آن- جمع شود، یا دلایل مشخصی برای نامطلوب بودن آن ارائه نماید.

۱۱- طباطبایی پروژه فیرحی را به سرنوشت نواندیشی دینی و اعتبار فقه سیاسی گره می زند:

«تمایز علوم به تمایز موضوعات آن‌هاست و به دلیل همین تمایز موضوعات، فقه سیاست نیست و از اضافه یکی از آن‌ها به دیگری فقه مضاف - مانند آب مضاف - درمی آید، اما فقه سیاسی در نمی آید! اگر بتوان سیاستی از درون نظام فقه شیعی بیرون کشید، به فرض امکان، باید نخست دانست که سیاست چیست؛ به همان دلیل که فقیهانی مانند محمدباقر صدر گفته‌اند اقتصاد اسلامی وجود ندارد؛ زیرا اقتصاد علمی مستقل از فقه با موضوعی مستقل است، اما می‌توان احکامی را از فقه استخراج کرد که در اصلاح نظام اقتصادی به کار آید، فقه سیاسی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد و این منوط به وجود علم سیاست مستقل از فقه است. نیازی به گفتن نیست که فقیه تنها با تکیه بر فقه و اصول خود نمی‌تواند بداند سیاست چیست. این دو علم دو موضوع متمایز دارند و توضیح سرشت موضوع یکی با تکیه بر اسلوب دیگری ممکن نیست. هم‌چنان‌که نظر اقتصادی اسلام منوط به وجود علم اقتصاد مستقل است، یعنی اقتصاد اسلامی وجود ندارد، و آن‌گاه مسئولان اقتصادی می‌توانند با نظری به احکام اسلامی، در عمل، برخی تعدیل‌ها را در تعادل‌های اقتصادی وارد کنند، باید علم سیاست مستقل از فقه هم وجود داشته باشد تا مسئولان سیاسی برخی احکام اسلامی را در عمل سیاسی خود وارد کنند.»

منطقاً اشکال به دکتر فیرحی به کنار گذاشتن فقه سیاسی و گفتن نواندیشی دینی منجر نمیشود. نکته مهم این است که فقه سیاسی ترکیب «فقه» و «علم سیاست» نیست، بلکه فقه سیاسی بخشی از فقه است که به مباحث سیاسی می‌پردازد، همان گونه که فلسفه سیاسی به شیوه فلسفی مسائل سیاسی را بررسی میکند. در کلام فوق، اما، نکاتی وجود دارد که میتواند از یک جهت به مدعای نظریه همرویی در این باب کمک کند. مرحوم صدر علم اقتصاد را از مکتب اقتصادی جدا میکند؛ چرا که اولی از جنس science است، و نمی‌تواند دینی شود. اگر اسلام سخنی در اقتصاد دارد، در حوزه مکتب اقتصادی است. فقه سیاسی همانند فقه اقتصادی با مکتب سروکار دارد، نه با علم. پس، توهم این مسئله هم وجود ندارد که فقه سیاسی بخواهد با علم سیاست هم‌ارزی کند. مدعا همان است که خود دکتر طباطبایی اشاره کرده است: «می‌توان احکامی را از فقه استخراج کرد که در اصلاح نظام اقتصادی به کار آید.» در مجموع، باید گفت مشکل مباحثه طباطبایی و فیرحی این است که محل نزاع مشخص نشده است. در خصوص اندیشه ایرانی شهری، نه مدعا و دلیل (از سوی سید) کاملاً مشخص به نظر میرسد، نه نقدهایی که (از جانب شیخ) به آن وارد شده است. در جدال سید و شیخ، شاید بتوان از یک سو خواجه را عالمی شافعی دانست، و از سوی دیگر به این مسئله ادعان نمود که الگوی نوشتاری وی از سیاستنامه های ایرانی و فره پادشاهی متأثر بوده است، اما معلوم نیست این دو گزاره مدعای سید را تأیید میکند یا نقد شیخ را! درست است که «خواجه را نمیتوان از فقه تسنن جدا کرد»، اما این گونه هم نیست که «با اندیشه باستانی ما هیچ نسبتی» نداشته باشد. به نظر میرسد سیاستنامه های پس از اسلام به شکلی از سیاستنامه‌های پیش از اسلام تأثیر پذیرفته باشند. خواجه را نمیتوان تفکر اشعری تقلیل داد؛ چرا که منطق دینی تفاوتی بین قباد و مزکد نمیبیند. نتیجه منطقی تعلق به اهل سنت، اندیشیدن در چارچوب اندیشه سنی نیست؛ بلکه ممکن است ساختار کلی اندیشه به سنت ایرانی شهری نظر داشته باشد. چارچوب و اسلوب نوشتاری خواجه سیاستنامه است که هم از اندیشه ایرانی شهری تأثیر پذیرفته، هم از فقه شافعی. چرایی این مطلب به نکته ای روش شناسانه بازمیگردد: در سیاستنامه، برخلاف شریعتنامه و فلسفه سیاسی، وحدت روشی وجود ندارد. دولت مدرن و بحران قانون فیرحی هم نقدهایی به متفکران ملی گرا دارد، هم با فقه محوری فهم کلیت مشروطه را مشکل ساخته است. از سوی دیگر، تلقی فقه سیاسی به مثابه ترکیب فقه و «علم سیاست» از بزرگان نماینده این گونه مسائل در گفتگوهای علمی قابل جرح و تعدیل است. واقعیت آن است که جامعه روشنفکری ما بیش از پیش به همدلی نیاز دارد. به امید آن روز که «گفتگوی همدلانه» جایگزین «اعتزال روشنفکری» شود.





## سنجش سلامت با هفت ایستگاه کیفی گرد و غبار

از اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان در خرید دستگاه سنجش کیفی گرد و غبار، بیان کرد: راه اندازی این ایستگاه حفظ سلامت شهروندان و به توسعه محیط زیست به عنوان یک اصل زیربنایی در این شهرستان مرزی کمک زیادی می‌کند. سلیمان هاشمی گفت: راه اندازی ایستگاه سنجش کیفی گرد و غبار در گنبدکاووس به سبب همجواری با کشور ترکمنستان و صحرای قره قوم آن که منشأ اصلی ورود گرد و غبار به این شهرستان است، از اقدامات ارزنده سازمان حفاظت محیط زیست است.

### نصب ایستگاه گرد و غبار سنج، مطالبه مردم گنبدکاووس بود

رئیس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاووس هم، راه اندازی ایستگاه سنجش کیفی گرد و غبار در این شهرستان مرزی را مطالبه عمومی مردم دانست و گفت: نصب این دستگاه که ذرات گرد و غبار به اندازه کمتر از ۱۰ میکرون را رصد و نشان می‌دهد علاوه بر حفظ سلامت شهروندان با هشدارهایی که داده می‌شود، به مسوولان گنبدکاووس هم در تصمیم گیری در شرایط اضطرار کمک می‌کند. احمد احمدی افزود: دستگاه سنجش کیفی گرد و غبار گنبدکاووس که با هزینه ۷۰ میلیارد ریال خریداری و نصب شده از مجهزترین دستگاه‌ها در جهان است و می‌تواند در صورت نصب آنالیزورهای دیگر، میزان غلظت ذرات معلق در هوا مانند گازهای دی اکسید نیتروژن، مونوکسید کربن و دی اکسید گوگرد را نیز اندازه‌گیری و محاسبه کند. وی از مسوولان گلستان و گنبدکاووس خواست تا در خرید تجهیزات مورد نیاز برای اندازه‌گیری دیگر آلودگی‌های هوا به محیط زیست کمک کنند.



مدیران آن بویژه دولت و مجلس به منابع طبیعی و محیط زیست به سبب اهمیتی که دارند، معطوف شده است. عبدالحکیم آق آراکالی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای محیط زیست، گفت: وقتی چنین افرادی برای حفاظت از محیط زیست جان خود را نثار می‌کنند تکلیف بر سایر مردم و مسوولان هم روشن است تا در حفاظت و نگهداری از محیط زیست اهتمام ویژه داشته باشند. وی با اشاره به وجود ۸۳ میلیون هکتار منابع ملی (مرتفع) و ۱۳۰۵ میلیون هکتار عرصه جنگلی در کشور، اضافه کرد: صیانت از این عرصه‌ها تنها در سایه مشارکت عمومی مردم و انجام صحیح وظایف ازسوی همه دستگاه‌ها امکان پذیر است.

**محیط زیست، زیربنای مهم توسعه است**  
فرماندار گنبدکاووس هم در این مراسم با قدردانی

مراسم با تأکید بر ضرورت مشارکت همگانی در حفاظت از محیط زیست، تصریح کرد: برای تحقق این موضوع، آموزش و تبیین‌گری به شیوه‌های گوناگون از اصول مهم و زیربنایی است که متولیان محیط زیست و دیگر دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها باید به آن توجه کنند. آخوند کمال غراوی بابیان اینکه محیط زیست میراث گذشتگان و امنیت آیندگان است، افزود: صرفه جویی و مدیریت مصرف در منابع آب و برق هم از نیازهای ضروری است و نیاز به آموزش و فرهنگ سازی دارد.

### دولت و مجلس به منابع طبیعی و محیط زیست اهتمام ویژه دارند

نماینده مردم شهرستان گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی هم در این مراسم، محیط زیست را زیربنای حیات جامعه دانست و تصریح کرد: نگاه تمام ارکان کشور و

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان از برنامه‌ریزی بلندمدت این اداره کل برای تجهیز هفت شهرستان این استان شمالی به ایستگاه سنجش کیفی گرد و غبار خبر داد و بیان کرد: تاکنون ۲ ایستگاه در شهرهای «گمیشان» و «گنبدکاووس» نصب و راه اندازی شده است. به گزارش روابط عمومی، قدیر حسن زاده در آیین افتتاح ایستگاه سنجش کیفی گرد و غبار در گنبدکاووس، گفت: بندرترکمن، آق قلا، کلاله، مراوه‌تپه و گرگان هم به ترتیب به این ایستگاه‌ها مجهز خواهند شد. وی، هزینه خرید دستگاه سنجش کیفی گرد و غبار گنبدکاووس را ۷۰ میلیارد ریال از منابع ملی اعلام کرد و افزود: هزینه نگهداری این ایستگاه‌ها معادل قیمت دستگاه‌هاست که لازم است از محل اعتبارات استانی و شهرستانی برای خرید و نگهداری از آنها به حفاظت محیط زیست گلستان و شهرستان‌های آن کمک شود. حسن زاده با تبریک هفته حفاظت محیط زیست (۱۶ تا ۲۲ خرداد) و با اشاره به اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اضافه کرد: حفظ و نگهداری از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه عمومی است و این امانت الهی که از گذشتگان به ما رسیده، باید برای نسل‌های آینده حفظ و به آنها تحویل شود. وی تصریح کرد: برخی‌ها گمان می‌کنند که حفاظت از محیط زیست وظیفه کارکنان این دستگاه است در حالی که قانون حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست را بر عهده همه دستگاه‌های اداری و اجرایی و عموم مردم گذاشته است بنابراین هرگونه فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

### حفاظت از محیط زیست نیاز به آموزش و تبیین‌گری دارد

نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری هم در این

## ورزش زورخانه‌ای نباید در چهار دیواری زورخانه محصور بماند

بودن تعداد ورزشکاران این رشته نسبت به ظرفیت‌های موجود گفت: با وجود پیشینه غنی ورزش زورخانه‌ای، شمار فعالان آن متناسب با جایگاه تاریخی و فرهنگی این ورزش نیست و همه دستگاه‌های مرتبط باید برای توسعه آن همکاری کنند. وی با تأکید بر حفظ جایگاه معنوی زورخانه‌ها، نقش مرشدان را در انتقال فرهنگ پهلوانی بسیار مهم دانست و خواستار توجه بیشتر هیات‌های استانی به ارتقای محتوای فرهنگی و آموزشی این ورزش شد. رئیس فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی همچنین از آمادگی فدراسیون برای تجهیز زورخانه‌های جدید خبر داد و گفت: هر جا که زیرساخت لازم فراهم شود، فدراسیون در تأمین تجهیزات مورد نیاز همکاری خواهد کرد، هرچند تأمین اعتبار برای ساخت و بازسازی اماکن ورزشی نیازمند همراهی دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها و خیرین است. وی بر ضرورت ارتقای جایگاه ورزش زورخانه‌ای در استان گلستان تأکید کرد و گفت: این استان از ظرفیت‌های مناسبی در این رشته برخوردار است و انتظار می‌رود با برنامه‌ریزی بهتر، در عرصه‌های قهرمانی و توسعه همگانی، جایگاه بالاتری کسب کند.



تربیت اخلاقی و معنوی نسل جوان نیز نقش‌آفرین است و به همین دلیل باید بیش از گذشته در جامعه معرفی و ترویج شود. باران چشمه همچنین با ابراز نگرانی از پایین

کشتی پهلوانی با بیان اینکه این رشته ورزشی ریشه در فرهنگ، تاریخ و باورهای دینی ایرانیان دارد، تصریح کرد: ورزش زورخانه‌ای علاوه بر تقویت جسم، در

رئیس فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی با تأکید بر ضرورت گسترش این ورزش در میان نسل نوجوان و جوان گفت: ورزش زورخانه‌ای به عنوان بخشی از هویت فرهنگی و معنوی ایران نباید در چهار دیواری زورخانه‌ها محدود بماند و لازم است با بهره‌گیری از ظرفیت مدارس، سالن‌های ورزشی و برنامه‌های فرهنگی در دسترس عموم مردم قرار گیرد. به گزارش روابط عمومی، مهرعلی باران‌چشمه در مجمع سالانه هیات ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی گلستان اظهار کرد: توسعه این رشته فقط وابسته به ساخت زورخانه‌های جدید نیست و می‌توان با استفاده از گودهای سیار و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، زمینه آشنایی اقشار مختلف جامعه به ویژه دانش‌آموزان را با فرهنگ پهلوانی و جوانمردی فراهم کرد. وی با اشاره به اجرای «طرح شهید طغانی» در مدارس افزود: هدف این طرح، آشنا کردن نوجوانان با ارزش‌های اخلاقی، مرام پهلوانی، فتوت و جوانمردی است و فدراسیون این برنامه را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های خود در مسیر توسعه ورزش زورخانه‌ای می‌داند. رئیس فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و